

در نقد اتهام‌زنی‌های یک سایت خاص

حسین نورانی‌نژاد

وبسایت مشرق‌نیوز درباره یادداشتی از اینجانب که دوشنبه هفته گذشته با عنوان «راهی به نوسازی گفتمان اصلاحات» در روزنامه اعتماد منتشر شد، واکنش بسیار عجیبی نشان داد. در بخشی از آن یادداشت آمده بود: «اصلاح‌طلبان از آنجا که جریانی پارلمان‌تاریست بوده‌اند، طبعاً شعار اصلی‌شان انتخابات آزاد بوده و روی حقوق سیاسی مدنی شهروندان مانند حق تشکیلیاتی، تقویت جامعه مدنی، آزادی عقیده و بیان تمرکز داشته‌اند.» به نظر نمی‌رسد که درباره این ادعا، یعنی محوریت انتخابات در جریان اصلاحات شک و شبهه‌ای باشد. از قضا، اغلب منتقدان درونی و بیرونی اصلاحات، اصلی‌ترین نقدشان به این جریان توجه بیش از حد به انتخابات و غفلت از سایر امکان‌های سیاست‌ورزی اصلاح‌طلبانه بوده است. اما مشرق تلاش کرده با دلایلی اثبات کند که اصلاح‌طلبان، پارلمان‌تاریست و انتخابات‌محور نبوده‌اند. دلایل این سایت خبری-تحلیلی متعلق به جریانی خاص عبارتند از: استعفای برخی نمایندگان اصلاح‌طلب مجلس ششم، اعتراض به نتایج انتخابات 88، عدم شرکت جبهه‌ای این جریان در انتخابات 98 و 1400 و توییتی از آقای حجاریان! نفي محوریت انتخابات در اصلاحات از سوی رقبای اصولگرا برای تحریک اصلاح‌طلبان به حضور در هر انتخابات و با هر کیفیتی، حرف تازه‌ای نیست. اما نکته حیرت‌انگیز و نگران‌کننده درباره این یادداشت، نتایج عجیب و غریب و خطرناکی است که از تیتراژ متن را از حداقل بنیان‌های استدلالی خالی کرده است. مشرق با تیتراژ «این پارلمان‌تاریست‌های مسلح!»، نوشته: «جریان اصلاحات نه یک جریان پارلمان‌تاریست و رای‌محور که یک جریان ابن‌الوقت و متمایل به خشونت است.» و در ادامه تأکید کرده: «چنین حرف‌هایی برای رد گم کردن و پرت کردن حواسها از مسیر متخذه چپ‌ها برای اصلاحات سخت و خونبار مطرح می‌شود.» این مطلب به قدری عجیب و در قیاس با تندترین مواضع اصولگرایان، شاذ و غیرمنطقی است که شاید باید نادیده گرفته می‌شد، اما توجه به آنچه از نسبت این وبسایت مطرح است و نیز انتشار آن در یکی از بخش‌های اصلی سایت که مواضع و تحلیل‌های این شبه رسانه

را پوشش می‌دهد...

باعث می‌شود تا به سادگی از آن عبور نکرد و نکاتی را متذکر شد. از جمله اینکه:

1- فرض که ادعای انتخابات محور بودن يك جریان باطل است. از کجای این مطلب خشونت‌گرایی در می‌آید؟ آن‌هم نه خشونت معمولی که مسلح و خونبار؟! به قدری بی‌پروایی خام و عدم تعادل در به‌کارگیری واژگان در این مطلب بالاست که احساس می‌شود از سوی فردی ناآشنا به بار کلمات و فضای سیاست نوشته شده است. اما متأسفانه همان‌طور که اشاره شد، انتشار آن در یکی از بخش‌های اصلی سایت این تصور را کم‌رنگ می‌کند و توجه به این نکته که کلمات به تنهایی فضا ساز هستند و می‌توانند قبح برخی مسائل را بشکنند، باعث می‌شود تا نگران تیغ در دست زنگی مست شویم.

2- کاندیدا نداشتن، رای ندادن و حتی تحریم که تاکنون اصلاح‌طلبان از آن استفاده نکرده‌اند و استعفا، همه جزو کنش‌های عادی سیاسی و مدنی و خشونت‌پرهیز محسوب می‌شوند. حتی استفاده از گزینه خیابان که اصلاح‌طلبان از آن به شدت گریزانند نیز رفتاری مدنی می‌تواند باشد و با هیاهو و شلوغ کردن این و آن، مفاهیمی چنین ساده و بدیهی قلب معنا نمی‌شوند.

3- از محورهای اصلی گفتار و رفتار اصلاحات، خشونت‌پرهیزی بوده است. به عنوان مثال، دو سال پیش در حزب اتحاد ملت به عنوان یکی از احزاب اصلی جبهه اصلاحات، درباره منع خشونت کار مفصلی انجام شد و متنی هم به عنوان سند داخلی به تصویب دفتر سیاسی رسید. بدون این شواهد هم رفتار سیاسی اصلاحات در سال‌های گذشته به قدر کافی مرزهای جدی این جریان با خشونت را روشن کرده و رادیکال‌ترین اصلاح‌طلبان هم همواره بر خط قرمز خشونت تأکید روشن و بدون اما و اگر داشته‌اند. اما واقعیت این است که جریان‌های رقیب اصلاحات، هم در بین براندازان و هم در بین برخی اصولگرایان درباره خشونت نظرات و سوابق گاه نگران‌کننده‌ای دارند، چنانچه در دوره اصلاحات یکی از جدال‌های سخت گفتمانی بین اصلاح‌طلبان با محورهای فکری برخی جریان‌های اصولگرا در همین رابطه بود. لذا اگر جریانی لازم باشد تا درباره نسبت خود با خشونت توضیح دهد، رقبای اصلاحات هستند.

4- در انتخابات محور بودن اصلاح‌طلبان تردیدی نبوده و نیست. اولاً که همه اصلاح‌طلبان در اکثر انتخابات گذشته حضور داشته‌اند، یکی از شعارهای اصلی آنها انتخابات آزاد و رقابتی سالم بوده و اگر در انتخاباتی هم مشارکت به معنای معرفی کاندیدا نداشته‌اند به این دلیل بوده که نوع رفتار شورایی نگهبان در استفاده از نظارت

استصوابی، این امکان را از آنها گرفته است. این واقعیات چیزی نیست که نویسندگان مشرق‌نیوز و هر کس دیگری نداند، ولی خب رقابت سیاسی است و گاهی رد کردن مرزهای بدیهی اخلاق و نادیده گرفتن درک و آگاهی مخاطب، از سوی کسانی که پروای این حدود را ندارند، اتفاق می‌افتد.

5- سال‌هایی بود که اصلاح‌طلبان متهم به براندازی می‌شدند. خیرخواهان زیادی از هر دو جریان نسبت به آن نوع گشاده‌دستی در اتهام‌زنی هشدار می‌دادند که خودتان به دست خودتان قبح برخی مسائل را نشکنید. اما به آن هشدار خیرخواهانه توجه نشد تا به دلیل خطاهای همان افراد، براندازان واقعی گسترش یافتند و نمایندگان واقعی خود را معرفی کردند. از قضا آنها هم رقیب اول خود را اصلاح‌طلبان معرفی کردند و لبه دیگر قیچی تندروهای راست در زدن این جریان شدند. در این بین، نمی‌توان از نقش ساده‌سازی واژه برانداز و دست و دلبازی در خرج کردن آن برای هر نیروی منتقدی گذشت. حالا هم لازم است که تا اول ماجراست، عقلایی پخته‌تری از اصولگرایان پیدا شوند و جلوی دست و دلبازی بی‌حد در به‌کارگیری واژه‌های خشونت‌باری چون مسلح و خونبار و غیره را بگیرند. در بی‌قاعدگی هم برخی قواعد رعایت می‌شود. اصطلاحاً باید مراقب بود که شکستن مرزها و اصول از حد نگذرد.

م: □□□□□□ □□□□□□ 7 □□□□□□ 1401 □□□□□□